



سید سمندر شاه نعمتی

اگست سال ۲۰۱۶

## نتایج منفی کنش "حکومت انفرادی" در افغانستان

### گره کور جامعه

"حکومت انفرادی" در افغانستان تلاش دارد که - بدون ریشه یابی - معضلات کشور را مرفوع سازد. این حکومت با این "خواست" به یک "طبیعی ناشی" میماند که بدون تشخیص مرض، بیماران را از طریق تجویز داروهای مختلف با پیروی از این اصل علاج کند که - طوری که حافظ خوش کلام می گوید - "باشد که زان میانه یکی کارگر شود." انجام این امر در محیط اجتماعی کشور ممکن نیست: چون بیماریها مختلف اند، برای هر بیماری دواي ویژه می تواند اثر گذار بوده و کارگر افتد. دواي یک بیماری برای بیماری دیگر میتواند که نه تنها شفا بخش نباشد بلکه وضعیت بیمار را بدتر سازد. از این نگاه این قضیه جنبه ظاهری داشته که نمی تواند **گره کور جامعه** را باز نماید.

### دشواری های تعبیه شده در نظام حاکم

دشواری های معضل گره کور از این قرار اند:

**(۱) سطح بلند بیکاری در جامعه:** بیکاری، علت بنیادی است که افراد جامعه را به سوی "اعمال نامطلوب" می کشاند. این امر می تواند که منجر به آن گردد که بعضی ها حتی با گرفتن پول در صف هراس افکنان طالب قرار گیرند. و یا گویا اجباراً دست به اعمال نا جایز دیگر بزنند. چنانچه گفته می شود که زمانی در یکی از دهکده های کشور "مرکب های حرام گوشت" ذبح میگردد و بفروش میرسید. گرفتاری این گونه اشخاص، و لو که لازم هم است، ولی بسنده نیست. چاره اساسی در کاریابی و خلق اشتغال نهفته است. گرفتاری و زندانی کردن این قصابان، که هر یک دارای یک خانواده می باشد، منجر به آن میگردد تا خانواده "نان

آور" خود را از دست بدهد. ریشه بیکاری مربوط می‌گردد به شرایط اقتصادی که آن خود در حال جان‌کندن و احتضار است.

**(۲) فساد اداری یا رشوه ستانی:** در روابط جامعه افغانی فساد گسترده حاکم است. این امر را اگر در وجود کارمندان دولت بنگریم، بزودی بایست بین کارمندان بالا رتبه و پایین رتبه تفاوت قایل شد. پایین رتبه‌ها، اکثراً نظر به پایین بودن سطح معاش به رشوه ستانی می‌پردازند. بلند رتبه‌ها، برخلاف پایین رتبه‌ها، زیاد رشوه گرفته و بزودی صاحب جاه و جلال شده و دارایی‌های بزرگ انباشت می‌نمایند. در نتیجه این بلند رتبه‌ها خود بین و خود خواه می‌شوند.

برای از بین بردن فساد اداری لازم است که پایین رتبه‌ها به معاش‌های قابل کفاف دست یابند و بلند رتبه‌ها با برنامه‌های مشخص تحت بازرسی قرار گرفته، تجرید گردیده و در صورت اثبات جرم دارایی‌های شان مصادره گردد. در نتیجه می‌توان از این اقدام نتایج مثبت گرفت.

**(۳) مواد مخدر:** گسترش زرع و قاچاق مواد مخدر در افغانستان ریشه اقتصادی دارد. در اقتصاد عرضه و تقاضا یک اصل مهم به شمار می‌آید. تقاضا کنندگان در مجموع، خارجی و عرضه کنندگان دهقانان داخلی اند. در مبارزه علیه زرع و قاچاق مواد مخدر در همکاری با بنیاد‌های جهانی مبارزه علیه مواد مخدر و طرح برنامه‌های در خور اوضاع روابط تولید روستایی و دهقانی در کشور می‌توان - آن هم به دراز مدت - گام‌های موثر برداشت.

**(۴) چگونگی زنا شوهری:** زنا شوهری ریشه اجتماعی دارد و آن قانونی می‌خواهد در ان نکات ذیل بایست مراعات گردد:

(۱) رضایت زن و مرد در بدو ازدواج،

(۲) هجده سالگی سن ازدواج،

(۳) آزادی مساوی زنان و مردان،

(۴) آزادی و برابری زنان و مردان در قبال حقوق کار و کارگری و آماده ساختن بستر اجتماعی-اقتصادی کار و کارگری برای زنان. از این طریق می‌توان ریشه‌های مرد سالاری را سست ساخت.

**(۵) اختطاف یا آدم ربایی:** با در نظر داشت باند‌های آدم ربایی، یکی از عللی که بعضی افراد با اختطاف گریبان می‌پیوندند، در بیکاری، فقر و تنگدستی نهفته است. میسر ساختن زمینه‌های کاری و اشتغال می‌تواند که پیوستن اشخاص به باند‌های اختطاف جلوگیری کند. علیه باند‌های اختطاف گر نیاز به مبارزه سرتاسری و هدفمند می‌باشد.

**6) بحران اقتصادی:** بحران اقتصادی در کشور روز بروز شدت می یابد. تولیدات زراعتی و صنعتی کشور با رکود مواجه می باشند. از معادن کشور استفاده در خور حال انکشاف کشور نگردیده، زمینه های کاری روز بروز محدود تر میگردند. کشور با عدم توازن تجاری مواجه بوده و بیشتر از ۵۵ درصد بودجه کشور از منابع خارجی تمویل میگردد، حتی اعاشه و ابطه قوای امنیتی کشور وابسته به کمک های مالی غیر می باشند.

**7) بی سر پناهی:** اکثریت مردم از خود خانه ندارند. پس یا کرایه نشین بوده و یا در زیر خیمه ها در مناطق زاغه نشین به سر می برند. خانه های کرایایی اکثرا در مالکیت "نو به دوران رسیده ها قرار دارند، کسانی که از ساختار تازه در کشور زیادترین بهره نا جایز را برده اند.

**8) تجاوزات جنسی:** تجاوز جنسی در اصل ماهیت حیوانی دارد. انسان به ذات خود دارای دو اصل می باشد: حیوانی و انسانی . در اصل حیوانی، انسان مانند حیوان عمل میکند و در اصل انسانی مانند انسان. در اصل حیوانی، انسان با جفت خویش به مثابه یک حیوان برخورد می کند. در اصل انسانی انسان با انسان به مهر ورزی اقدام میکند. مهر ورزی انسان با انسان حقیقی و مهر ورزی با زوجه طبیعی می باشد. کسانی که اصل انسانی خود را فراموش میکنند، مانند حیوان عمل می نمایند. حیوان تحت فشار غریزه قرار میگیرد و به شهوت رانی می پردازد. از جمله حیوانات پرنده کبوتر را در نظر بگیریم که با کبوتر های دیگر، حتی با دختر و خواهرش، مقاربت انجام میدهد. در این جا انسان هم مانند کبوتر در اصل حیوانی بدور از شئون انسانی تجاوز جنسی انجام میدهد. این عمل زشت و شنیع در جامعه انسانی موجب جلوگیری است.

در اخیر بایست اضافه کرد، در حکومتی که اعضای کابینه اش غیر مسلکی باشند، نمی توان انتظار برد تا به یافتن "گره کور" دست یافت و مسایل را ریشه یابی کرد. این حکومت جا دارد تا فرو ریزد و جایش را حکومت "شایسته سالاری" استوار بر اصول دموکراسی، مسئولیت پذیری و حساب دهی بگیرد.